

«هو اللطيف»

برنامه فرهنگی سواحل؛ به سوی پیوست فرهنگی

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی

تابستان ۱۴۰۱

فهرست

.....	مقدمه	۴
.....	۱. چارچوب مفهومی	۶
.....	۱.۱. پیوست فرهنگی	۶
.....	۱.۲. گردشگری ساحلی و دریایی	۷
.....	۳.۱. مسئله‌شناسی فرهنگی	۸
.....	۲. مسئله‌شناسی فرهنگی سواحل	۱۰
.....	مقدمه	۱۰
.....	مسائل خاص منطقه‌ای	۱۰
.....	۱. مسائل کرانه خزر	۱۰
.....	۲. مسائل کرانه خلیج فارس	۱۱
.....	۳. مسائل کرانه عمان	۱۱
.....	کلان‌مسائل مشترک سواحل	۱۲
.....	۱. شادی و نشاط و فراغت	۱۲
.....	۲. عفاف و حجاب	۱۲
.....	۳. هویت بومی	۱۲
.....	جمع‌بندی مسائل	۱۲
.....	۳. چارچوب راهبردی	۱۳
.....	۱.۳. حق و عدالت فرهنگی	۱۳
.....	۲.۳. سنخ‌شناسی و فرصت محوری	۱۳
.....	۳.۳. هویت فرهنگی	۱۴
.....	۴.۳. خانواده‌محوری	۱۴
.....	۵.۳. مردمی‌سازی و مردم‌محوری	۱۴

- ۶.۳. انسجام اجتماعی ۱۴
- ۷.۳. امید و نشاط آفرینی ۱۴
- ۸.۳. نگاه فراملی ۱۵
۴. ایده‌ها و برنامه‌های پیشنهادی ۱۵
- ۱.۴. گردشگری ۱۵
- ۲.۴. عفاف و حجاب ۱۶
- ۳.۴. سرگرمی ۱۷
۵. نکات نهادی ۱۷

مقدمه

ساحل به عنوان جزئی از زیبایی‌های طبیعی و جلوه‌های جمال الهی و به مثابه محیط طبیعی، زندگی بشری را در ساحت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به خود گره زده است. از سده شانزدهم و با آغاز انقلاب دریانوردی تاکنون، کرانه‌های دریایی آرام آرام به گرانیگاه تمدن تبدیل شده‌اند. تا پیش از این دوران، همه نواحی جهان در انزوای نسبی بودند و با یکدیگر بی‌ارتباط. در نتیجه انقلاب بازرگانی سده‌های هفدهم و هجدهم و تداوم آن تاکنون، توجه جهان نو به ساحل و چیرگی نسبی اقتصاد دریا، توجهی بنیادین بوده است. به دیگر سخن، «ساحلی شدن» اقتصاد جهانی به معنای تمرکز کانونی کنش‌ها و جمعیت‌ها و نیز تنش‌ها و بحران‌ها در این محور است.

هم‌اکنون در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم، حدود دوسوم مردم جهان، رقمی معادل ۳۰۷ میلیارد نفر، در حاشیه ۶۰ کیلومتری از دریا زندگی می‌کنند. منطقه ساحلی، فضایی اشتراکی از دو قلمرو جغرافیایی مستقل، یعنی خشکی و دریاست. این محیط، محیطی پویا و متغیر و متنوع است که تحت تأثیر فرایندهای اقلیمی، دریایی و انسانی قرار دارد. محیط ساحلی زمینه‌هایی را برای کشورها ایجاد می‌کند که ابعاد ژئوپلیتیک، اقتصادی، گردشگری، صنعتی و... دارد. کشور ایران نیز با بهره‌مندی از ۵ هزار و ۸۰۰ کیلومتر خط ساحلی و همجواری ۷ استان گیلان، مازندران، گلستان، خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان با دریا، همواره در طول تاریخ با «مسائل ساحلی» مواجه بوده است.

خداوند دریا را بالقوه به تسخیر بشر در آورده تا با استفاده از آن، اسباب رشد خود را فراهم و شکر پروردگارش را به جا آورد. بشر می‌تواند از دریا ماهی صید و شکم خود را سیر کند، بر آن کشتی براند و تجارت کند، از گیاهان دریایی استفاده طبی و صنعتی ببرد و... بنابراین دریا، با همه ویژگی‌های مادی و معنوی خود، گردآورنده و دعوت‌کننده انسان به سوی خود بوده و هست. اجتماع انسان‌ها در کرانه دریا برای گذران حیات، نرم‌افزاری نوین بر حیاتشان پیاده کرده است: «فرهنگ ساحلی». مردمانی که در شهرها و مناطق ساحلی زندگی می‌کنند، چه به لحاظ ظواهر حیات و چه به لحاظ مسائل غیرمادی و فرهنگی، همواره در تعامل با محیط طبیعی خود از آن الهام گرفته‌اند؛ از شیوه بنای منازل گرفته تا روحیات فردی و اجتماعی. برای ایرانیان شمال و جنوب، ساحل همواره مایه حیات بوده است؛ چه آنجا که خلیقات خود را از آن می‌گرفته‌اند، چه آنجا که مجرای رزق و روزی‌شان بوده است. مثلاً می‌گویند جنوبی‌ها مردمانی آرام و دست‌ودلباز و متوکل هستند و این خصایص را از دریا آموخته‌اند.

گردشگری ساحلی براساس ترکیب منافع منحصر به فردی در مرز خشکی و دریا ایجاد شده است و در حال رشد و تبدیل شدن به یکی از صنایع بسیار مهم در بسیاری از کشورهاست. امروزه گردشگران ساحلی تقاضایی بیش از خورشید، دریا، شن و ماسه دارند که مجموع این تقاضاها در فرایند انتخاب مقصد گردشگری ساحلی تأثیر می‌گذارد. در واقع ترکیبی از فعالیت‌ها و جذابیت‌ها مانند آفتاب، شن و ماسه‌های ساحلی و تنوع محیطی باعث می‌شود گردشگران سواحلی خاص را انتخاب کنند.^۱

۱. فیروزآبادی و همکاران (۱۴۰۰)، «رتبه‌بندی سواحل گردشگری جنوب ایران با استفاده از روش AHP»، مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۸، ش ۲۳.

رشد چشمگیر گردشگری ساحلی از سویی و سایر فعالیت‌های اقتصادی بهره‌مند از اراضی و منابع ساحلی از سوی دیگر، ضرورت به کارگیری رویکردی همه‌جانبه را در مدیریت گردشگری ساحلی نشان می‌دهد. درک اهمیت گردشگری ساحلی برای اقتصاد جهانی و تأثیرات ناشی از آن بر جوامع ساحلی همراه با محیط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، گردشگری پایدار را به دنبال داشته است. شهرهای ساحلی با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی توان‌ها و قابلیت‌ها در گردشگری ساحلی، نقش مؤثری در توسعه این مناطق و در نتیجه توسعه و رشد اقتصاد ملی خواهند داشت.^۲

ساحل و مردم آن، مانند هر اجتماع دیگری، مادامی که در اجتماع محدود خود و پشت درهای بسته زندگی می‌کنند و محیط بیرونی امکان اثرگذاری و تحول‌آفرینی در این جامعه را ندارد، معضلی دامنگیرشان نیست؛ اما همین که پای انسان‌هایی از جوامع دیگر به این محیط طبیعی اجتماعی باز می‌شود، معضلات جدیدی رخ می‌نماید که حل آن‌ها نیازمند فهم نظام مسائل و ابتکار در حل آن‌ها با ابتدای بر جغرافیای خاص هر منطقه است. اگر مناطق ساحلی کشور را به سه حوزه خلیج فارس و مکران و خزر تقسیم کنیم، طبعاً نظام مسائل فرهنگی اجتماعی آن‌ها با هم متفاوت خواهد بود. برای مثال تناسب نداشتن جمعیت ورودی گردشگران به استان‌های مجاور دریای خزر در تعطیلات، با ظرفیت جمعیتی این مناطق و خاصه سواحل آن‌ها، معضلاتی مانند حجم انبوه زباله در سواحل، ایجاد بازار کاذب در منطقه ساحلی و... را سبب می‌شود. یا در استان هرمزگان و در نظر مردم این استان، پدیده قاچاق، اعم از قاچاق سوخت و البسه و مواد خوراکی، با نگاه قانون و حاکمیت به این پدیده تفاوتی فاحش دارد: مردم این استان قاچاق را نه یک جرم، بلکه مجرای برای ارتزاق خانوارها می‌دانند و اساساً نام قاچاق بر آن نمی‌نهند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذر ۱۳۸۶ بر ضرورت تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های گوناگون کشور تأکید و فرمودند: «در طرح‌های گوناگون که در کشور تنظیم می‌شود، طرح‌های پولی و مالی و عمرانی، حتماً یک پیوست فرهنگی وجود داشته باشد.» همچنین در نخستین بند سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، ابلاغی رهبر معظم انقلاب، همچنین در ماده ۲ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، بر تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید شده است.^۳

پیوست فرهنگی فرصتی ارزشمند به منظور جاری‌سازی سیاست‌های کلان فرهنگی، ابزاری برای ایجاد مصونیت و پیشگیری از پیامدهای منفی در عرصه فرهنگ و همچنین اقدامی در راستای ایجاد تحول و پیش‌برندگی در فرایندها و روش‌های مدیریت فرهنگی کشور مبتنی بر ارزش‌های فرهنگ اسلامی و درنهایت، عامل مؤثر در جهت ارتقای بهره‌وری است. مهم‌ترین هدف نظامنامه پیوست فرهنگی چنین است: زمینه‌سازی برای ایجاد گفت‌وگو میان فراگیر اصلاح عملکرد فرهنگی در تصمیمات مدیریتی در همه سازمان‌های اجرایی

^۲. یوسف جمالی و همکاران (۱۴۰۰)، «تحلیلی بر نقش گردشگری ساحلی در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهرهای ساحلی بابلسر، نور و رویان)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۵.

^۳. نظامنامه پیوست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور (۱۳۹۲)، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

کشور. همچنین در ضمن اینکه طرح‌های مهم، به‌ویژه پروژه‌های عمرانی و اجتماعی و اقتصادی به نحو مطلوبی اجرا می‌شوند، ارزش‌های دینی و ملی و انقلابی نیز حفظ و تقویت گردند. هرگونه اقدام و فعالیتی در دایره ارزیابی آثار اجتماعی یا پیوست‌نگاری فرهنگی و در نگاهی کلان‌تر تدوین چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور، مانند تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نیازمند خوانشی فرهنگی در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است که یکی از آن‌ها شناخت زمینه‌ها و ویژگی‌ها و ملاحظه‌های جغرافیایی است.^۴ در این سند، بناست با تبیین نظام مسائل سواحل کشور، به الگویی جامع در سه حوزه خاص که امروزه دامنگیر سواحل است، دست یابیم: گردشگری، عفاف و حجاب، سرگرمی. بسیاری از مردم بومی مناطق ساحلی معتقدند که با رشد روزافزون حضور گردشگران در این مناطق، بسیاری از ارزش‌های ایشان، خاصه در حوزه عفاف و حجاب، دستخوش تغییراتی شده و اثراتی سوء بر جامعه آن‌ها نهاده است. همچنین عده‌ای از همین مردم بومی معتقدند به‌رغم بهره‌مندی از همجواری با دریا، از ظرفیت‌های موجود در حوزه اوقات فراغت و سرگرمی استفاده کافی و مقتضی نشده است. حال آنکه با بررسی مدل‌های مشابه که در بخش مسئله‌شناسی ذکر خواهد شد، به این نکته پی خواهیم برد که سواحل ظرفیتی بسیار مناسب برای ایجاد بستری برای سرگرمی مردم بومی و همچنین گردشگران به شمار می‌آید.

۱. چارچوب مفهومی

۱.۱. پیوست فرهنگی

اول‌بار مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۷ آذر ۱۳۸۶ بر ضرورت تهیه پیوست فرهنگی در کنار طرح‌های توسعه‌ای کشور تأکید ورزیدند تا هدف ارزیابی آثار و پیامدهای آن طرح‌ها و تدوین سیاست‌ها و راهکارهایی برای کاهش پیامدهای آسیب‌زا و تقویت آثار مثبت آن‌ها محقق شود. اجرای طرح‌های توسعه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، ارتباطی، اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی، امنیتی و...، تأثیرات مهمی در فرهنگ جامعه و شیوه زندگی می‌گذارد و بی‌توجهی به آثار و پیامدهای این‌گونه طرح‌ها نتایج زیان‌بار و جبران‌ناپذیری در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به دنبال دارد و در مواردی در تعارض آشکار با اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. بنابراین رصد آثار و پیامدهای فرهنگی طرح‌ها، لوايح، تصمیمات و مصوبات، پروژه‌ها و اقدامات در دستگاه‌ها و قوای سه‌گانه و بخش خصوصی و توجه به اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم موارد ذکر شده در جامعه، مسئله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ آن‌هم درحالی‌که اساساً هدف اصلی انقلاب اسلامی گسترش و حاکمیت ارزش و فرهنگ اسلامی است. همچنین بی‌توجهی به روند متناسب‌سازی طرح‌ها و تصمیم‌ها و اقدام‌ها باعث توسعه نامتوازن و پیدایش معضلات و بعضاً بحران‌های فرهنگی در سطوح و موضوعات مختلف فردی و خانوادگی و اجتماعی می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲).

^۴ محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، «ملاحظه‌های جغرافیایی در پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه ملی و نقش آن در سازمان‌های نظارتی»، جغرافیا و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای،

۲.۱. گردشگری ساحلی و دریایی

دهخدا در لغت‌نامه ساحل را کنار، کناره، کناره، کناره دریا، زمین نزدیک دریا و کرانه دریا و اصطلاحاً آن را فصل مشترک خشکی‌ها با سطح افقی دریا معنا کرده است. سواحل از مناطق مهم در جهان به شمار می‌رود که انسان در آن ساکن شده است و از منابع آن بهره می‌برد. نواحی ساحلی محل پیوند آب و خشکی و فصل مشترک دو اکوسیستم با اختصاصات مجزا از یکدیگر است. محیط زیست ساحلی سیستمی تکامل یافته و طبیعی و دربرگیرنده پیچیده‌ترین و غنی‌ترین اکوسیستم‌های مولد کره زمین است. این ناحیه، منطقه‌ای انتقالی و آسیب‌پذیر و آخرین پذیرنده آلاینده‌های خشکی و دریاست و در معرض تجمع آلاینده‌ها و تهدیدات بالقوه آن‌ها. سواحل از دیرباز نقشی بدون جانشین در اقتصاد، توسعه و تمدن‌ها داشته‌اند و به‌عنوان مدخل دریا در سراسر جهان، منابع تغذیه، حمل و نقل، دسترسی به انرژی و تفریح را برای شمار روزافزون مردم فراهم آورده‌اند.

براساس تعریف سازمان جهانی گردشگری، گردشگری عبارت است از همه فعالیت‌های فرد که به‌منظور گذران ایام فراغت، انجام کار و سایر اهداف، برای مدت کمتر از یک‌سال به مکان‌هایی خارج از محیط عادی خود می‌رود. گردشگری فعالیتی است اجتماعی که شامل رفتار انسانی، استفاده از منابع، تعامل با دیگران، اقتصاد و محیط زیست است. بنابراین، مجموعه مفاهیم مستتر در کلمه گردشگری، این مفهوم کلی را به ذهن متبادر می‌کند که گردشگری صنعت پیچیده‌ای است با ساختارها، عملکردها، صورت‌بندی‌ها و نتایج رفتاری بخش دولتی، خصوصی، تعاونی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بهداشتی، زیست‌محیطی و فضایی سرزمینی اعم از چشم‌اندازهای طبیعی و انسانی و فرهنگی.

علاقه به طبیعت و گذران زمانی اندک در دل آن، علاقه فطری بشر است. بنابراین گردشگری طبیعت‌گرا، در میان مردم جهان عمومیت بیشتری دارد. در عین حال یکی از انواع بسیار پرطرفدار گردشگری طبیعت‌گرا، گردشگری ساحلی است. بنای ویلاها در مناطق ساحلی، خواص درمانی آب دریا، گسترش شهرنشینی، ساخت جاذبه‌های هدفمند برای جذب گردشگران، ظهور فرهنگ عمومی گردشگری ساحلی با ایجاد شبکه راه‌آهن از شهرها به سواحل و... جملگی در رشد گردشگری ساحلی نقش پررنگ و مفصل ایفا کرده است. گردشگری ساحلی به دلیل فراهم کردن زمینه‌ای مفرح و مهیج، برای گردشگران جذاب است؛ آرامش و زیبایی ساحل، تفریحات آبی همچون شنا، اسکی روی آب، ماهیگیری، قایق‌سواری و... بازدید از بازارچه‌های دریایی و دیگر ویژگی‌هایی از این قبیل، باعث جذب حداکثری گردشگران به مناطق ساحلی می‌شود. گفته می‌شود میزان جمعیت گردشگران در نواحی ساحلی فرانسه، در فصول بهار و تابستان، به بیش از ۱۳ میلیون نفر می‌رسد. این عدد خود نشان‌دهنده محبوبیت بالای گردشگری ساحلی برای همه جهانیان است. نوع دیگری از گردشگری نیز وجود دارد که اغلب ذیل گردشگری ساحلی تعریف می‌شود و صنعتی ثروت‌ساز در آن به راه افتاده است و با توجه به تعاریف جهانی، تحت عنوان گردشگری دریایی شناخته می‌شود. گردشگری دریایی شامل سفرهای تفریحی است که در آن، دریاها و اقیانوس‌ها اصلی‌ترین مرکز فعالیت‌ها هستند. گردشگری دریایی قالب‌های مختلفی دارد: تورهای کروز، اکوتوریسم دریایی و حتی سفرهای اکتشافی برای صید ماهی. این صنعت از سال ۱۹۸۰ معرفی شده و هرروزه نیز بر میزان اهمیت و محبوبیت آن افزوده می‌شود. در سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۰ میلیون نفر با درآمدی معادل ۳۴ میلیارد دلار در جهان، به سفر دریایی رفته‌اند و

در این میان، استرالیا یکی از مقاصد بسیار مهم گردشگری دریایی جهان بوده و در سال ۲۰۱۲ توانسته است ۲.۵ میلیارد دلار تنها از گردشگری دریایی خود درآمد کسب کند. گردشگری دریایی در ایران نیز اقبال مردم را به دست آورده؛ به طوری که به گزارش وزارت راه و شهرسازی، در سال ۱۴۰۰ جمعاً ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار سفر دریایی و گردشگری دریایی با رعایت آیین نامه‌های بهداشتی مقابله با کرونا انجام شده است.^۵

طی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، اشراف‌زادگان اروپایی، ادبای بریتانیایی و به تدریج، قشر مرفه آمریکایی در قالب تورهای بزرگ از منابع طبیعی و فرهنگی اروپا از جمله کوه آلپ در سوئیس و سواحل ایتالیا و فرانسه و اسپانیا بازدید کردند. عوامل متعددی در این تحولات نقش آفرینی کرد؛ اما دست کم در بریتانیا سه عامل اساسی باعث تحول ماهیت گردشگری ساحلی شد:

۱. تغییر در حمل و نقل: با اختراع کشتی بخار و تأسیس مجموعه‌های تفریحی در اسکاتلند و همچنین توسعه راه آهن، امکانات رفاهی در دسترس گردشگران رشد چشمگیری یافت و به تبع آن، هزینه‌های سفر نیز کاهش پیدا کرد.

۲. شکل‌گیری طبقه متوسط ثروتمند متمایل به تقلید از اشراف قرن ۱۹ در بریتانیا با وقوع انقلاب صنعتی.

۳. افزایش تقاضا برای سفرهای کنار دریا توسط گردشگران و رشد مراکز تفریحی و رفاهی برای پشتیبانی از صنعت گردشگری.

امروزه در کشورهای با موقعیت اقیانوسی، بیش از ۹۰ درصد گردشگران، ساحل را به عنوان مقصد انتخاب می‌کنند. الگوهای بین‌المللی نشان می‌دهد کشورهای بهره‌مند از موقعیت ساحلی، تلاش می‌کنند تا در حوزه‌های مختلفی همچون ورزشی، تفریحی، هیجانی، سرگرمی و آرامش برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند.

۳.۱. مسئله‌شناسی فرهنگی

سه مفهوم مشکل (problem)، مسئله (issue) و چالش (challenge) که اغلب به جای یکدیگر به کار می‌روند، در واقع سه مرحله از مواجهه ما با پیش‌آمد را نشان می‌دهند. هنگامی که هیچ راه‌حلی برای گرهی که در کار افتاده نداریم، در واقع با یک مشکل مواجهیم. همین که برای گشودن گره، راه‌حلی بیابیم از مرحله مشکل به مرحله مسئله رسیده‌ایم. حال ممکن است در مسیر وصول به اهدافمان با موانعی روبه‌رو گردیم که پیشبرد اهداف را با دشواری‌هایی همراه سازد. این مرحله را چالش می‌نامیم. مثلاً دست‌شخص مجروح شده است و گشودن گره با دست برایش مقدور نیست. اما مرحله‌ای که ما بدان تأکید می‌ورزیم و در پرداخت به موضوعات فرهنگی مدام از آن استفاده می‌شود، مرحله دوم یا همان مسئله است. در سیاست‌گذاری فرهنگی، مسئله یک فرصت است؛ یعنی منابع فرهنگی ملموس و ناملموس موجود و انطباق‌نداشتن با وضع آرمانی را به خوبی بشناسیم و برای تحقق اهداف فرهنگی از آن‌ها استفاده کنیم. مسئله به موضوعی گفته می‌شود که باید باشد ولی نیست یا نباید باشد ولی هست. مسئله را مشکل تعریف کرده‌اند، مشکلات حل نمی‌شوند بلکه ابتدا به مسئله تبدیل می‌شوند و بعد در قالب مسئله حل می‌شوند.^۶

^۵ خبرگزاری ایمن (۱۴۰۰)، آمار سفر و گردشگری دریایی در نوروز ۱۴۰۰.

^۶ کلهر، سینا (۱۳۹۹)، مسئله‌شناسی فرهنگی، روش‌های مسئله‌شناسی و تحولات اولویت‌های مسئله‌ای مردم، تهران: سوره مهر.

مسئله فرهنگی را به دو صورت سلبی و ایجابی می‌توان تعریف کرد: در تعریف سلبی، مسئله فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که نقص یا کمبودی را خبرگان فرهنگی یا تعداد درخور توجهی از آحاد جامعه ادراک می‌کنند. مسئله را هم می‌توان مشاهده کرد و هم می‌توان اندازه گرفت. تعریف ایجابی مسئله فرهنگی این است که درک نکردن فرصت‌ها به پدید آمدن مسئله فرهنگی منجر می‌شود. ممکن است فرصت‌های متعددی باشند که بهره‌برداری نکردن از آن‌ها در زمان و موقعیت خودش، فرصت را به مسئله فرهنگی یا تهدید فرهنگی تبدیل کند.^۷

در یک طبقه‌بندی کلی، با سه رویکرد به مسئله‌شناسی مواجهیم: روش گفتمانی و مسئله‌شناسی عینی و مسئله‌شناسی شهودی که در ادامه توضیح مختصری درباره این سطوح ارائه خواهد شد. در مسئله‌شناسی گفتمانی (تحلیل نقاط نزاع) محقق با تمرکز بر نقاط نزاع فرهنگی، مسائل را شناسایی می‌کند. به عبارت دیگر، محقق در جایگاه متخصص گفتمان تلاش می‌کند نقاط اصلی نزاع را که بر سر گفتارهای گفتمانی رخ می‌دهد، شناسایی و آن را در قالب مسئله صورت‌بندی کند. روش عینی، خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود:

- مسئله‌شناسی فرهنگی با تمرکز بر نشانه‌ها: در این روش پژوهشگر با مشاهده برخی شواهد و نشانه‌ها، از وجود مسئله آگاه می‌شود. «در این روش نشانه‌هایی که مبنای مسئله‌شناسی قرار می‌گیرد، در دو محور وضعیت شاخص‌های فرهنگی و اقدامات نظام سیاسی مرتبط با آن شاخص‌هاست.»
 - روش مردم‌نگر: در این روش به جای استنباط محقق، نگرش مردم مبنای شناخت مسئله قرار می‌گیرد. علت انتخاب این روش، آگاهی از فاصله ذهنیت سیاست‌گذاران و مردم و همین‌طور آگاهی از ذهنیت مردم و در صورت نیاز، یعنی در وضعی که نگرش اشتباهی به مسائل وجود دارد، تغییر آن است.
 - مسئله‌شناسی فرهنگی براساس روش دلفی (نگاه کارشناسان و خبرگان): در این روش به جای نظر مردم، دیدگاه کارشناسان و نخبگان مسئله‌های فرهنگی بررسی می‌شود، در اینجا نقش محقق، تدوین‌گری نظرهای کارشناسان است. مزیت مهم این روش هزینه به نسبت اندک و سرعت مطلوب است.
- روش شهودی نیز دسته‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد:
- روش شناخت شهودی (وجدان فعالان فرهنگی): فعالان فرهنگی به دلیل حساسیت ذهنی و مشارکت تجربی در زندگی روزمره، شناخت شهودی از مسائل فرهنگی به دست می‌آورند یا به اصطلاح این مسائل را وجدان می‌کنند.
 - ابتنا بر حجیت (سخنان رهبری، مراجع فکری و دینی، تکالیف قانونی): در این روش مجموعه‌مسائلی که هر منبع دارای حجیت بیان کرده است، به منزله مسائل فرهنگی جامعه پذیرفته شده و مبنای عمل قرار می‌گیرد.

^۷ حبیبی و همکاران (۱۳۹۶)، «مسئله فرهنگی و مسئله‌شناسی فرهنگی ایران (در دیدگاه نخبگان دانشگاهی و حوزوی داخلی)»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۷، ش ۴.

۲. مسئله‌شناسی فرهنگی سواحل

مقدمه

امروزه در کشورهای با موقعیت اقیانوسی، بیش از ۹۰ درصد گردشگران، ساحل را به‌عنوان مقصد انتخاب می‌کنند. آنچه الگوهای خارجی نشان می‌دهد، کشورهای بهره‌مند از موقعیت ساحلی، تلاش می‌کنند تا در حوزه‌های مختلفی همچون ورزشی، تفریحی و هیجانی، سرگرمی و آرامش برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند. در ایران، به‌رغم ظرفیت بسیار مطلوب در حوزه سواحل، تاکنون برنامه‌ریزی جدی و یکپارچه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. برای برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه، ابتدا لازم است مسائل آن را شناسایی کنیم. این سند پس از بررسی نظام مسائل موجود در سواحل ایران، به تفکیک سه منطقه جغرافیایی ساحلی خلیج فارس و مکران و خزر، در سه حوزه گردشگری، عفاف و حجاب و سرگرمی پیشنهادهایی ارائه می‌دهد. زیست‌بوم فرهنگی و جغرافیایی در هر یک از سه منطقه ساحلی مذکور، سبب شده است تا نظام مسائل آنها نیز با هم تفاوت‌های جدی داشته باشند. بنابراین جمع همه مسائل ذیل عناوینی واحد و ارائه نسخه‌ای واحد برای همه، نقض غرض تلقی می‌شود. بدیهی‌ترین تفاوتی که ایجاد شکافی عمیق میان سه منطقه مذکور را باعث شده است، پراکندگی جمعیتی آنهاست. تراکم جمعیتی را در کرانه خزر، ۲ هزار نفر در هر کیلومتر مربع، در کرانه عمان ۱/۷ نفر در هر کیلومتر مربع و در کرانه خلیج فارس ۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع تخمین زده‌اند. بنابراین می‌توان تراکم جمعیتی در سه ساحل کرانه دریای خزر و عمان و خلیج فارس را به ترتیب در سه مقیاس در حال اشباع، بسیار خلوت تا تهی و ساحل تنگ، تقسیم‌بندی کرد. طبیعی است که عنصر جمعیت سبب شده است تا مسائل این مناطق با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری پیدا کند.

مسائل خاص منطقه‌ای

۱. مسائل کرانه خزر

تعداد استان‌های ساحلی شمال کشور، ۳ استان است که بیش از ۷۶۰۰ کیلومتر مربع آنها در محدوده ساحلی قرار دارد. طول خط ساحلی در این نوار، حدود ۸۹۰ کیلومتر است. کرانه خزر ساحل کشاورزی و گردشگری و کانون جمعیتی و سکونتی است. پراکنش فضایی فعالیت‌هایی کشاورزی، به‌ویژه در محدوده‌های کشت‌آبی، در حاشیه جنوبی دریای خزر قرار دارد. از سوی دیگر، بیشترین اراضی جنگلی کشور که دربرگیرنده جنگل‌های تجاری و حفاظتی است، در دامنه‌های شمال البرز و کناره‌های دریای خزر واقع شده است. در نوار ساحلی جنوبی دریای خزر، بخش گردشگری کارکرد پایه‌ای اقتصاد را تشکیل داده و بخش ماهی‌گیری، شیلات و فعالیت‌های بندری کارکردهای اقتصادی غالب بعدی محسوب می‌گردد. در مقابل نقاط قوت مذکور، نقاط ضعف و چالش‌های جدی نیز در مسیر سواحل خزر وجود دارد که به شرح زیر است:

✚ قاجاق مشروبات الکلی

✚ آلودگی‌های رو به گسترش

✚ نوسان تراز آب

✚ گسترش ویلاها و اتاق‌های اجاره‌ای در خط ساحلی

✚ غرق شدن هرساله ده‌ها شهروند و گردشگر

✚ تناسب‌نداشتن سازه‌های خدماتی ساحلی و شمار گردشگران و گرانی خدمات به آن‌ها به‌ویژه در بهار و تابستان

✚ کمبود اسکله‌های ویژه برای قایق‌ها و شناورهای تفریحی و گردشگری

✚ فقدان زمین مناسب برای دفع پسماند و مواد زائد به‌سبب بالابودن سطح آب زیرزمینی

✚ فقر فاحش هتل‌ها و اقامتگاه‌ها از نظر تجهیزات

✚ نبود سیستم مناسب تصفیه فاضلاب‌های خانگی و صنعتی و کشاورزی.

۲. مسائل کرانه خلیج فارس

تعداد استان‌های سواحل جنوبی کشور، ۴ استان است که حدود ۲۹ هزار کیلومتر مربع آن در محدوده ساحلی قرار دارد. طول خط ساحل در این نوار ۴۹۰۰ کیلومتر تعیین شده است. کرانه‌های خلیج فارس، ساحلی نفتی و گازی، شیلاتی، تجاری و سکونتی است. در طول کرانه‌های خلیج فارس، نقش ارتباطات و حمل‌ونقل دریایی ناشی از تجارت ملی و بین‌المللی، قانونی و غیرقانونی، فعالیت‌های ناشی از نفت و گاز و ماهی‌گیری و شیلات، سه بستر مهم اقتصادی در این نوار ساحلی محسوب می‌شود.

✚ قاچاق آبریان، نفت، انسان و احشام

✚ آلودگی دائمی دریا توسط شناورها، به‌ویژه نفت کش‌ها

✚ صید بی‌رویه توسط ۸ کشور پیرامونی

✚ صید غیرقانونی اتباع و شناورهای هندی یا پاکستانی و بنگلادشی

✚ کمبود یا نبود سیستم اطلاع‌رسانی و نهادینه‌شده میان ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس در ارتباط با تبادل اطلاعات

✚ آب‌وهوایی، کشتیرانی، پشتیبانی از لنج‌های آسیب‌دیده و...

✚ کمبود تأسیسات و زیرساخت‌های گردشگری

✚ تنگناهای اقتصادی معیشت ساحل‌نشینان

✚ توسعه مناطق ویژه و آزاد اقتصادی بدون وجود برنامه‌ای هماهنگ.

۳. مسائل کرانه عمان

کرانه دریای عمان از منظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی، ژرفای آب‌های ساحلی، تعدد خورها، نزدیکی بدون واسطه به بندرهای اصلی آسیا و ده‌ها امتیاز دیگر، مخصوصاً از نظر تجارت و بازرگانی بین‌المللی، شیلات و صنایع ویژه، به‌صورت بالقوه، بهترین ساحل ایران برای توسعه اقتصادی است.

✚ ضعف زیربنای حمل‌ونقل، بهداشت و درمان، آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت و زیرساخت‌های صنعتی، کار و آموزش

✚ عقب‌ماندگی‌های همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

کلان مسائل مشترک سواحل

در این راستا نتایج برآمده از پژوهش‌ها و نشست‌ها و نظرهای کارشناسی ما را به سه کلان مسئله در عرصه ساحل رهنمون می‌سازد که در ادامه توضیحات کوتاهی درباره آن‌ها ارائه خواهد شد.

۱. شادی و نشاط و فراغت

با بررسی الگوهای کشورهای مختلف، مانند امارات متحده عربی، مشخص می‌شود که ساحل سهم بسزایی در تفریحات و ایجاد نشاط در گردشگران و شهروندان بومی دارد. استفاده از ظرفیت ورزش‌های آبی و در نظرگیری امکاناتی همچون جت اسکی، قایق‌های بادی، سکوهای ماهی‌گیری و... در همین راستا هستند. با وجود بستری که در ایران برای اجرای چنین برنامه‌هایی وجود دارد، در زمینه شادی و نشاط و الگوهای عمومی و فراغتی در بستر ساحل با طیفی از مسائل مواجهیم؛ فقدان الگوهای فراغتی، محدودیت در تعداد و تنوع، عدم دسترسی عموم مردم به برخی الگوها، دور از دسترس بودن برای قشرهایی از مردم مانند بانوان یا افرادی که وضعیت چندان مناسبی برای تأمین آن ندارند.

۲. عفاف و حجاب

یکی از چالش‌های اساسی پیش روی ما، رفتارها و پوشش‌هایی است که در ساحل، با عفاف و حجاب منافات دارند. پوشش‌های نامتعارف و زننده، رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا، موسیقی، شب‌نشینی، گردش حیوانات و روابط خارج از عرف نیز در ارتباط با این کلان مسئله مطرح می‌شود. این چالش، باعث شده است تا مردم بومی مناطق ساحلی، درباره آینده فرهنگ محلی خود نگران باشند. به دلیل نبود نظارت صحیح بر فضای گردشگری ساحلی، برخی مناطق ساحلی بکر، خاصه در جزایر خلیج فارس، شاهد حضور گردشگرانی است که از این فضای یله‌گی سوء استفاده کرده و به هنجارشکنی و رفتارهای خارج از عرف و شرع در سواحل روی می‌آورند.

۳. هویت بومی

تمامی سواحل هویت بومی خاص خودشان را دارند. رونق روزافزون گردشگری و به‌ویژه اقبال به گردشگری ساحلی به برنامه‌ریزی صحیح و اقدام مناسب نیاز دارد تا بتواند از آسیب‌های آن جلوگیری کند. هجوم گردشگری باعث می‌شود هویت محلی تخریب شود و نظم منطقه از حالت خود خارج شود. در عین حال باید هویت بومی را به‌منابه ظرفیتی عظیم در نظر گرفت که با سیاست‌گذاری صحیح و خرج ظرافت‌های اجرایی، می‌توان بر غنای هرچه بیشتر آن افزود؛ بدین صورت که بومیان نه تنها برخوردی منفعلانه با فرهنگ مهاجم (گردشگران) نداشته باشند، بلکه فعالانه سعی بر انتقال و معرفی هویت بومی و فرهنگ محلی خود به گردشگران داشته باشند.

جمع‌بندی مسائل

فارغ از این مشکلات خاص که هر یک از سه منطقه مذکور را از دیگری متمایز می‌کند، همان‌طور که به میان آمد، بخشی از مشکلات که در فرهنگ عامه ریشه دارند، میان هر سه منطقه و خاصه در بین دو کرانه خزر و خلیج فارس، با توجه به تراکم جمعیتی بیشتر نسبت به منطقه مکران، مشترک است: سگ‌گردانی در سواحل، فروش قلیان در سواحل و استفاده بی‌حد و حصر آن توسط گردشگران،

پوشش نامناسب گردشگران در مناطق ساحلی، استفاده نادرست از ظرفیت ساحل و دریا برای تفریحات آبی و... بعضی از مشکلات مشترک سواحل کشورند. آنچه به عنوان یکی از ریشه‌های بسیار مهم بروز این قبیل معضلات و عدم استفاده از ظرفیت‌های بالقوه و حتی بالفعل موجود در سواحل به نظر می‌رسد، نبود هماهنگی کافی میان دستگاه‌های متولی و مدیریت یکپارچه و حتی یک مرحله پیش‌تر از آن، تعیین‌نشدن و تفهیم‌نشدن درست مأموریت هر یک از سازمان‌های ذی‌ربط در ارتباط با سواحل است. توضیح آنکه علاوه بر نبود یک ستاد مشترک میان سازمان‌هایی همچون شیلات، میراث فرهنگی و گردشگری، اداره بنادر و کشتی‌رانی، منابع طبیعی، راه و شهرسازی، گمرک، مناطق آزاد و... برای تصمیم‌گیری در حوزه سواحل، به نظر می‌رسد دستگاه‌های متولی امر، متوجه مسئولیت خود در قبال سواحل نبوده و نیستند. از سویی دیگر، تصدی‌گری کامل دولت در مدیریت سواحل و نبود امکان ورود بخش خصوصی به این عرصه، باعث شده است تا در سایه نبود سیاستی جامع در حوزه سواحل، فضای رهاشدگی بر سواحل کشور خیمه افکند. درحالی‌که بخش خصوصی می‌تواند به‌دور از پیچیدگی‌های تصمیم‌سازی‌های دولتی، با کاربست ظرفیت جوانان بومی مناطق ساحلی، به عنوان نیروی آماده کار، حداکثر ظرفیت سواحل را به کار ببندد و در عین خلق ارزش برای کشور، به اشتغال‌زایی در کشور نیز کمک شایانی کند.

۳. چارچوب راهبردی

۱.۳. حق و عدالت فرهنگی

در این راهبرد، به پیوست عدالت فرهنگی برای طرح‌ها نیز توجه شده است و برنامه‌ریزی و اقدامات به شیوه‌ای خواهد بود که با افراد در زمینه استفاده و بهره‌مندی از عرصه ساحل با عدالت رفتار شود و امکان استفاده برابر از آن برای مردم فراهم باشد. این راهبرد با تلاش برای برطرف کردن بی‌عدالتی در عرصه ساحل، ناامیدی را از میان می‌برد و همچنین می‌تواند زمینه‌ساز راهبردهایی مانند مردمی‌سازی باشد. تخصیص امکانات و قیمت‌گذاری آن‌ها به نحوی که در دسترس و آماده استفاده برای همه کسانی باشد که در سواحل حضور می‌یابند، در راستای تحقق عدالت فرهنگی تلقی می‌شود.

۲.۳. سنخ‌شناسی و فرصت محوری

هر کدام از کرانه‌های مکران و خلیج فارس و خزر، ویژگی‌های طبیعی خاصی دارند. برخی از این سواحل اساساً ناشناخته و اصطلاحاً بکر هستند. در این راهبرد، نیاز است تا ابتدا انواع سواحل (مرجانی، صخره‌ای، ماسه‌ای و پست) طبقه‌بندی شود، سپس اطلاعاتی از نوع استفاده‌ای که می‌توان از این سواحل داشت نیز مشخص گردد. در مواجهه با عرصه ساحل، علاوه بر سعی در برطرف‌ساختن و حل کردن مسائل، باید رویکرد فرصت‌محور را اتخاذ کرده و با رویارویی فعال با عرصه ساحل، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود استفاده کرد. این رویکرد باعث می‌شود سرمایه اجتماعی افزایش یابد، همچنین از تهدیدهایی که بالقوه این عرصه را تهدید می‌کنند، جلوگیری شود. در عرصه ساحل، با توجه به جاذبه و زیست‌بوم خاص موجود، فرصت‌های بسیار زیادی به صورت بالقوه مطرح است که باید در جهت بالفعل کردن این ظرفیت‌ها اقدامات لازم انجام شود.

۳.۳. هویت فرهنگی

مردم ساحل‌نشین و فرهنگ ساحلی، هویت بومی و خاص خود را دارند. این راهبرد به ضرورت پاسداری از این هویت و حفظ آن اشاره دارد. این راهبرد علاوه بر رویکرد سلبی که به‌عنوان مثال مقابله با هجوم گردشگری ساحلی است که به آسیب به فرهنگ بومی منجر می‌شود، اقدامات ایجابی مانند راه‌اندازی بازارهای محلی را نیز در دستور کار خود قرار خواهد داد. هویت فرهنگی فراملی که در این ساحت مطرح می‌شود، فرصتی برای ایجاد پویایی و حیات فرهنگی، عامل ایجاد و گسترش نشاط فرهنگی و زمینه‌ساز تقویت و تثبیت هویت ملی و دینی است.

۴.۳. خانواده‌محوری

در فرهنگ ایرانی‌اسلامی، خانواده واحد بنیادین جامعه است. خانواده‌محوری باعث انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود که راهبرد مهم دیگری در برنامه فرهنگی سواحل است. حفظ نظم در جامعه و فراهم‌شدن بستری برای رشد و پیشرفت از ثمرات دیگر این راهبرد در عرصه ساحل است. فعال‌کردن این رویکرد و تلاش برای بسط آن در ساحل باعث می‌شود پدیده‌های ناهنجار و ضدفرهنگی که در حال حاضر یکی از معضلات در عرصه ساحل است، کاهش پیدا کند.

۵.۳. مردمی‌سازی و مردم‌محوری

در راهبرد مردمی‌سازی تلاش می‌شود با اقدامات و برنامه‌های مختلف، توده‌های مردم به‌شکل حداکثری در عرصه ساحل درگیر و دخیل شوند. این رویکرد باعث می‌شود از مشارکت مردم استفاده و مهم‌تر از این، زمینه برای خلاقیت و تلاش مردم حوزه ساحل آماده شود. این راهبرد همچنین به یاری راهبرد هویت فرهنگی خواهد آمد و می‌تواند از طریق محور قراردادن مردم در اقدامات، هویت بومی را نیز تقویت کند.

۶.۳. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی است که تضمین می‌کند افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف به اشتراک ذهنی (الگوهای ذهنی مشترک) برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر را بیابند، به قوانین موجود احترام بگذارند، از امکانات جامعه استفاده کنند و در مقابل، توانایی‌های خویش را براساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه شناسایی کنند و پرورش دهند و در اختیار جامعه بگذارند. برای ادامه حیات جامعه و حرکت به سمت این اهداف، حفظ انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی ضروری می‌نماید. راهبرد انسجام اجتماعی در عرصه ساحل، علاوه بر اینکه موجب می‌شود میان مردم ساحل همدلی، توافق و هماهنگی به وجود بیاید، زمینه را برای توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در فرهنگ ساحلی فراهم می‌کند.

۷.۳. امید و نشاط‌آفرینی

حاکمیت فضای یأس و ناامیدی در هر فرهنگ، موجب سکون و رکود خواهد شد. یکی از بسترهای بسیار مناسب برای افزایش امید در مردم و نشاط‌آفرینی ساحل است. برنامه‌های متنوع اجرایی در ساحل، علاوه بر امید و نشاط‌آفرینی، می‌تواند مقوم دیگر راهبردها نیز باشد و برای اتخاذ و اجرای آن‌ها راهگشا باشد.

۸.۳. نگاه فراملی

مناطق ساحلی ایران، به دلیل همجواری با کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین کشورهای حوزه دریای خزر، مؤلفه‌های فرهنگی مشترکی با یکدیگر دارند. تکیه بر این اشتراکات فرهنگی، با طراحی رویدادهایی میان کشورها، با محوریت سواحل، می‌تواند علاوه بر تقویت ارتباطات میان فرهنگی کشورهای همسایه، باب تعاملات اقتصاد فرهنگ را نیز بگشاید. ملت‌ها و فرهنگ‌ها در عصر حاضر با توجه به تحولات پیش آمده، از اتخاذ رویکرد فراملی ناگزیرند. در عرصه ساحل، این نگاه فراملی و بین‌المللی ضروری تر می‌نماید. البته باید به تأثیرات گوناگون این نگاه توجه کرد و علاوه بر تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مناسب برای فرهنگ بومی، مانند رونق اقتصادی، معرفی فرهنگ بومی به دیگر فرهنگ‌ها و... از آسیب‌دیدگی نیز جلوگیری و با پدیده‌ها و اقداماتی که فرهنگ بومی را به انزوا برده یا تنزل می‌دهد، مقابله کرد.

۴. ایده‌ها و برنامه‌های پیشنهادی

همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، این سند بناست بر سه حوزه گردشگری، حجاب و عفاف و سرگرمی تمرکز کند. بنابراین، ایده‌های پیش رو را می‌توان ذیل این سه بخش جمع کرد.

۴.۱. گردشگری

+ با توجه به بهره‌مندی سواحل ایران از ظرفیت همجواری با کشورهای دارای مرز دریایی با ایران، بخش دولتی، خاصه وزارت گردشگری، می‌تواند از طریق رایزنی با وزارت گردشگری کشورهای ساحلی همسایه، بازارچه‌های مشترک فرهنگی راه بیندازد. توضیح آنکه مشترکات فرهنگی مناطق ساحلی دو کشور در گذر تاریخ حفظ شده‌اند و این مشترکات، بستر مناسبی است برای حضور در کشور دیگر و راه‌اندازی بازارچه‌های فرهنگی، با هدف تقویت اشتراکات فرهنگی از طرفی و همچنین ترغیب هر چه بیشتر گردشگران برای بازدید از چنین بازارچه‌هایی.

+ سواحل بستر بسیار مناسبی است برای به‌نمایش گذاشتن صنایع دستی که از قضا، برآمده از خود دریاست (تأسیس بازارچه ساحلی دائمی). برای مثال مردم جنوب با استفاده از صدف‌های دریایی و ستاره‌های دریایی، هنر آفرینی کرده و سعی می‌کنند کالاهایی زینتی را با دست‌ان خود خلق کنند. فعال کردن این ظرفیت و سازماندهی آن، هم سبب جذب گردشگر و درآمدزایی مردم بومی منطقه می‌گردد و هم از دیگر سو، زمینه را برای انتقال این هنر به نسل‌های آینده فراهم می‌کند.

+ تجربه حضور در ساحل و چشیدن طعم خوراکی‌های مناطق ساحلی، لذت گردشگری را دوچندان می‌کند. امروزه به‌صورت پراکنده عده‌ای از مردم، خودجوش و بدون هیچ‌گونه سازماندهی، در کرانه دریا غذاهای محلی می‌فروشند و گردشگران نیز طبیعتاً ترجیح می‌دهند به‌جای نشستن در رستوران‌های اشرافی و خوردن غذاهای تکراری که در همه شهرها یافت می‌شود، طعم جدیدی را بچشند. لذا با تأسیس بازارچه ساحلی دائمی، می‌توان بخش فروش اغذیه محلی را نیز ساماندهی کرد.

+ زیباسازی سواحل با نصب آلاچیق‌ها، راه‌اندازی پیست دوچرخه‌سواری، نورپردازی مناسب در شب و... در جذب حداکثری گردشگران نقش مهمی را ایفا و حس رضایت از حضور در محیط را در گردشگران ایجاد می‌کند.

تسهیل حمل و نقل میان شهری و درون شهری برای وصول به مناطق ساحلی. توضیح آنکه دولت باید با تخصیص بودجه مقتضی به وزارت راه و شهرسازی به منظور به سازی زیرساخت های مسیرهای منتهی به شهرهای ساحلی، زمینه را برای حضور هر چه بیشتر گردشگران در این شهرها فراهم سازد؛ مانند افزایش خطوط هوایی به شهرهای ساحلی. همچنین سازمان اتوبوس رانی باید به منظور تسهیل جابه جایی گردشگران درون شهر، در شهرهای ساحلی، خطوط بی آر تی یا تراموا را تأسیس کند.

توسعه گردشگری دریایی از طریق تسهیل شرایط برای نقش آفرینی بخش خصوصی. کشتی های کروز و امکانات تفریحی بسیار متنوع دریانوردی در مناطقی از دنیا که شرایط مطلوبی در این حوزه دارند، سبب جذب حداکثری گردشگران به این مناطق شده است. گفته می شود امارات طی دوره ای ۷ ساله در سال ۲۰۱۲ توانست از حدود ۶۰۰ هزار گردشگر دریایی، صرفاً از طریق پهلو گرفتن کروزهای مسافری پذیرایی کند. با توجه به پویایی این عرصه و لزوم به روزرسانی امکانات گردشگری دریایی، بهتر است بخش خصوصی متولی این عرصه قرار گیرد و در چارچوب قوانین و دستورالعمل های اداره بنادر و دریانوردی نقش آفرینی کند.

برپایی رویدادهایی با محوریت شخصیت های اسطوره ای مناطق ساحلی. توضیح آنکه در هر یک از شهرهای ساحلی، افسانه ها و اسطوره هایی وجود دارند که نسل به نسل و سینه به سینه منتقل شده اند و در حکم فرهنگ شفاهی آن منطقه اند. می توان رویدادهایی را در سواحل با محوریت این شخصیت ها طراحی نمود و با نمادسازی از این شخصیت ها، علاوه بر جذابیت آفرینی برای گردشگران و حتی شهروندان، اسباب تثبیت فرهنگ عامه و انتقالش به نسل های بعدی را فراهم کرد.

۲.۴. عفاف و حجاب

ایجاد امکان استفاده رایگان یا با تخفیف از امکانات تفریحی و رفاهی موجود در سواحل برای بانوانی که با حجاب بومی آن منطقه در سواحل حاضر می شوند.

در نظر گیری مکان هایی برای شنا به صورت مجزا در دو بخش آقایان و بانوان؛ یعنی با وجود دورهمی خانواده ها در محیط عمومی سواحل، اگر افرادی، چه آقایان و چه بانوان، قصد شنا داشتند، بتوانند در محیطی مجزا و غیرمختلط شنا کنند. حال می توان برای شنا در محیط های مجزا نیز برای پوشش، حد و نصاب معین کرد. بدیهی است که هر کدام از مناطق جداسازی شده، به امکاناتی همچون رختکن، محل فروش تجهیزات شنا و... نیازمند است.

تخصیص غرفه ای در بازارچه دائمی ساحلی، به فروش و تبلیغ حجاب بومی منطقه ساحلی از طریق دعوت مردم برای کسب آگاهی هر چه بیشتر درباره حجاب بومی بانوان آن شهر و فروش لباس های محلی با قیمت های مناسب.

استفاده از ظرفیت تئاترهای خیابانی برای پرداخت ضمنی به موضوع عفاف و حجاب و اجرای نمایش در سواحل. توضیح اینکه قرار نیست تئاتر به موضوع عفاف و حجاب اختصاص یابد، بلکه همین که بازیگران خانم نمایش، نقش زنی بومی را ایفا کنند که حجاب محلی آن منطقه را بر تن دارد، اثرگذار است.

۳.۴. سرگرمی

از جمله فعالیت‌هایی که سواحل میزبان خوبی برای آن‌ها خواهند بود، فعالیت‌های ورزشی همچون فوتبال ساحلی، والیبال ساحلی، دویدن، دوچرخه‌سواری و... است. سازمان‌هایی همچون وزارت ورزش و جوانان می‌توانند حسب فصول سال و با برنامه‌ریزی صحیح، فعالیت‌های ورزشی را در قالب مسابقات فردی یا گروهی طراحی کنند.

فعالیت‌های مهیج و تفریحی که کم‌وبیش در بعضی سواحل جنوبی کشور مشاهده می‌شود، باید با سازماندهی و برنامه‌ریزی صحیح، گسترش یابد. غواصی در اعماق آب، پاراگلایدر و پرواز بر فراز دریا و مناطق ساحلی، جت‌اسکی و قدم‌زدن در کنار ساحل و... .

استفاده از ظرفیت هنرمندان برای ساخت قلعه‌های شنی یا طراحی نقش و نگارهای ساحلی در سواحل.

راه‌اندازی جشنواره‌های فصلی بازی‌های محلی در سواحل و دعوت از خانواده‌ها برای حضور در این جشنواره‌ها. توضیح آنکه به منظور انتقال فرهنگ محلی به نسل آینده، نشاط‌آفرینی در میان خانواده‌ها و فضای عمومی جامعه و همچنین تکیه بر نهاد خانواده، در فصول مختلف سال و براساس مناطق جغرافیایی سواحل، باید جشنواره‌های محلی را در کرانه‌های دریاها راه‌اندازی کرد.

۵. نگاشت نهادی

باتوجه به تشکیل و استقرار ستاد ساماندهی سواحل در سازمان اجتماعی وزارت کشور، مسئولیت پیگیری و راهبری مفاد این برنامه به عهده سازمان اجتماعی وزارت کشور خواهد بود. همچنین تمامی سازمان‌های عضو در شورای فرهنگ عمومی کشور متناسب با نوع برنامه و با راهبری سازمان اجتماعی وزارت کشور، برای همکاری با این سازمان آماده‌اند. باتوجه به مباحث مطرح و مصوب شده در جلسه ۷۷۶ شورای فرهنگ عمومی کشور، اجرایی‌سازی برنامه‌های فرهنگی سواحل در محدوده‌های شهری، به عهده شهرداری‌ها و در سواحل خارج از محدوده شهری، بر عهده فرمانداری خواهد بود که این مهم را سازمان اجتماعی وزارت کشور راهبردی و مدیریت خواهد کرد. ضمناً این سازمان باید هر ۶ ماه یک بار، مجموعاً دو بار در سال، انتهای فصل تابستان و انتهای فصل زمستان، اقدامات و درصد تحقق برنامه حاضر را به دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی برای طرح و بررسی در صحن اصلی شورا گزارش کند. ضمناً مدیرکل امور اجتماعی استانداری در هر استان نیز موظف است برش استانی برنامه حاضر را در سطح هر استان تدوین و با همکاری دستگاه‌های مختلف اجرایی کند.